

تبیین الگوی سوم زن مسلمان

الهامه اصلانی*

چکیده

امروزه مباحث مربوط به بانوان بعنوان نیمی از جمعیت جامع، دارای اهمیت ویژه‌ای است. در این رابطه می‌توان به سه رویکرد کلی در الگوی بانوان اشاره کرد. الگوی اول، الگوی زن شرقی است که در این رویکرد، زن منفعل بوده و دچار خمودگی و سرخوردگی است. زن در این الگو از حقوق و نقش‌چندانی در زندگی مشترک برخوردار نیست. الگوی دو، مربوط به زن غربی است که از سوی نظام، سرمایه‌داری برنامه‌ریزی شده و در آن بانوان با شعارهای عوام، فریبانه در راستای لذتجویی و بهره‌وری مردان قرار گرفته و از حقوق اصلی و نقش‌های حقیقی خود دور نگه داشته می‌شوند. الگوی سوم، الگوی زن مسلمان است. بانوان در این الگو دارای هویت انسانی بوده و علاوه بر نقش‌های اساسی در خانواده در عرصه فرهنگی، اجتماع و سیاست مؤثر هستند. حقوق سیاسی زن از دیرباز در جوامع بشری در معرض نفی و اثبات یا ضیق و توسعه دایره، بوده است. این در حالی است که در طول تاریخ هیچ جامعه‌ای خود را بی‌نیاز از این نوع فعالیت‌های زن ندیده است. زیرا زن نیمی از پیکره جامع انسانی را تشکیل می‌دهد و تولیدکننده نیروی انسانی است. انقلاب اسلامی ارائه‌دهنده الگوی سومی در نحوه نگرش به جایگاه زنان بوده است که در آن بر دو رکن برابری انسانی زنان با مردان و از سوی دیگر، وجود تفاوت‌های طبیعی میان آن دو تأکید می‌شود. در سایه این ارائه چنین الگویی می‌توان این مسئله را مطرح کرد که انقلاب اسلامی با بازنگری نگاه به زن، زمینه را برای حضور وی در عرصه‌های گوناگون سیاسی، فرهنگی، فرهنگ سیاسی و... فراهم کرد.

کلید واژه: الگو، الگوی سوم، زن مسلمان، بیانیه، گام دوم، انقلاب

مقدمه و بیان مسله

مسئله زن در هر مکتب فکری و مدل برآمده از آن، محصول جها نبینی، در جوامع غیر : معرفت شناسی و انسا ن شناسی است (زارعی متین، ۱۳۸۸) در جوامع غیر الهی، الگوهای ارائه شده برای زن محصول دستگاه علمی و فکری است که بر پایه معرفت و اعتقاد مادی بنا شده و جاهلیت مدرنی را رقم زده که نگاهی به زن یا موجودی ناتوان است و یا نگاهی کاسب گرانه، اقتصادی و وسیله ی برای اطفای شهوت است. ترویج نگاه ابزاری و مانکنی به زن به شدت تقبیح و ناسازگار با فرهنگ اسلامی قلمداد شد و همواره این دغدغه وجود داشت که حضور زن مسلمان در جامعه بستری برای حضور تفکر غربی در جامعه نشود. بنابراین در شکل گیری این پارادایم، جدای از پیش فرضهای معرفتی و انسان شناسانه، دغدغه دین مدارانه حضوری پررنگ داشت. می توان گفت شکل گیری چنین نظام فکری، واکنش طبیعی به ترویج سبک زندگی غربی و بی بندوباری دوران پهلوی بود که همواره دغدغه مندان را به جلوگیری از حضور اجتماعی زن سوق داده است (الهی خراسانی، ۱۳۹۶).

نظرات برخی اندیشمندان غربی در باره زنان: سقراط وجود زن را بزرگترین منشأ انحطاط بشری می داند (مهریزی، ۱۳۸۲). ارسطو معتقد بود زن چیزی نیست مگر مرد ناکام، خطای طبیعت و حاصل نقصی در آفرینش. به اعتقاد او خدا زن و برده را آفرید تا به مرد خدمت کند (نورافروز، ۱۳۸۴). فیثاغورث گفت اصل خوبی وجود داشته و نظم و نور و مرد را آفریده و اصل بدی هم، آشوب، تیرگی و زن را آفریده است. افلاطون نوشت باید خدایان را سپاس گزارد که من را آزاد آفرید و نه برده و من را مرد خلق کرده و نه زن (نورافروز، ۱۳۸۴). مونتسکیو زنها را در زندگی خانوادگی تابعی از مرد می دانست. برتولت برشت معتقد بود باید از زنان

استفاده کرد و پس از برآمدن مقصود، دورشان انداخت. سنت آگوستین زن را حیوانی می‌دانست که نه استقامت دارد و نه استوار است (نورافروز، ۱۳۸۴).

پس از انقلاب نیز که جریان روشنفکری دینی و سکولار، از هر راه ممکن آموزه‌های فمینیستی را ترویج می‌کرد (کرمی، ۱۳۸۷). موج فمینیستی : با ظاهری اسلامی شکل گرفت، این جریان سعی می‌کرد با توجیه آموزه‌های دینی و تاریخ‌مند دانستن احکام حقوقی و کیفری که ظاهری تبعیض آمیز بین مردان و زنان داشت از جایگاه زن ایرانی دفاع کند، اما این دفاع همه جانبه با رویکردی روشنفکرانه و فمینیستی همراه بود که لازمه آن تعطیلی فقه در حوزه‌ی زنان، جداسازی قرآن و عترت، تغییر پذیری احکام، سیالیت حقوق و مرجعیت عرف می‌شد چنین موجی (زیبایی نژاد و سبحانی، ۱۳۸۱).

الگوهای مطرح برای زنان در جوامع مختلف

تمدن سازی نوین اسلامی در موضوع زن جز با طراحی الگویی جامع امکانپذیر نمی‌باشد. در موضوع زن سه الگو مطرح

است؛ الگوی اول، الگوی زن شرقی است که در آن، نقش زن محدود به محیط خانه است. الگوی دوم الگوی زن غربی

است که در آن، زن وسیله التذاذ و سرگرمی مرد است. الگوی سوم الگوی زن مسلمان است که بر اساس دیدگاه قرآن

کریم و آموزه‌های دین اسلام، شکل گرفت و برخلاف دو الگوی شرقی و غربی، زن را موجودی کامل و توانمند می‌داند

که دارای حقوق و کرامت انسانی است. الگوی سوم، زن مسلمان، الگویی پویا و همه جانب است که می‌تواند با اعطای هویت انسانی به زن و پذیرش کنشگری او در عرصه های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی با توجه به مضامین

آیات الهی و با توجه به الگوهای دینی و با توجه به رسالت مادری در پرورش نسلی بالنده و با بسترسازی فرهنگی به رفع تعارض احساسات زن با نقش مادری نایل شود (تیموری و محمدی ، ۱۴۰۲).

ویژگی الگوی زن غربی

عواملی نظیر روی آوردن زنان به اشتغال و میل آنان به ترک خانواده، میل به ازدواج در سنین بالاتر، کنترل بارداری و تمایل به داشتن فرزند کمتر در الگوی زن غربی و همچنین تغییر ارزش‌ها از ارزش‌های اخلاقی و خانوادگی به ارزش‌های اجتماعی لیبرالیستی مثل آزادی، فردگرایی، ثروت و قدرت موجب پیدایش تعارض بین رسالت مادری و تمایلات زن شد (گاردنر، ۱۳۸۶). فمنیست‌ها کوشیدند نقش مادری را کم ارزش جلوه دهند و در این راستا به تقسیم مسئولیت مراقبت از فرزند بین پدر و مادر به طور مساوی یا واگذاری به مهدکودک‌ها و موسسات نگه داری کودک پرداخت. الگوی غربی، شعار زیبای آزادی را پوششی برای اسارت و بردگی زن در این فرهنگ قرار داده تا بتواند هر چه بیشتر بر زن تسلط داشت و او را استثمار کرد (بانکی پور، ۱۳۹۳). برخی دیگر از طرفداران این رویکرد، مادری را عامل استثمار و فرودستی زن دانست و راحل‌هایی زنان را از بین بردن قدرت باروری عنوان نمودند. فمنیست‌های روانکاو برای مادری ریشه بیولوژیک قائل نیستند و معتقدند اگر مردان در امر مادری دخالت کند، دیگر مادری امری زنان نخواهد بود (چودروف، ۱۳۸۵).

این نوع نگرش‌ها به تحقیر نقش مادری دامن زدند و زنان را نسبت به ازدواج و فرزندآوری بیرغبت کردند. مادری را در ردیف شغل‌های دیگر آورده و آن را به منزله کاری رایگان و پست شمردند. اصالت را بر فعالیت‌های شغلی زنانه نهادند و موجب دوری زنان از نقش‌های زنان شدند. با تأسیس و گسترش مهدکودک‌ها و مراکز نگه داری کودکان و نوزادان به این امر دامن زدند. این عمل موجب دور شدن کودکان از عواطف مادری و از بین رفتن حس اعتماد به نفس کودکان شد (گاردنر، ۱۳۸۶). فمنیست‌ها همچنین درخواست از دولت جهت ایجاد

امکانات رفاه، برای مادران شاغل و امکان قانونی برای ادامه دادن یا ندادن بارداری با تجویز سقط جنین اقدام، کردند (علاسوند، ۱۴۰۰).

الگوی زن شرقی

الگوی زن شرقی، گاه الگوی اول زن نام دارد، برآمده از مبانی فکری ادیان تحریف شده یا بشری بوده و زنان در حاشیه قرار گرفتند و به توان، جایگاه، نقش، تأثیر و حضور فرهنگ سیاسی آنها توجه نشد. الگوی اول زن را که به جهات تقدم

وقوعی الگوی اول نامیده شده و نه تقدم رتبی می‌توان در تاریخ مکتوب همه ی جهان ردیابی کرد (زهرامامی و همکاران، ۲۰۲۳)

الگوی شرقی دامنه تأثیر زن را محدود به محیط خانه می‌کند. با این وجود در این الگو نقش موثری برای زن در ر تعالی و پویایی خانواده یافت نمی‌شود. موقعیت مادری در حد یک خدمتکار خانگی تنزل یافته و زن دچار سرخوردگی و انفعال میشود (دیرباز، ۱۳۹۴) زن در تعریف غالباً شرقی هیچ ردیابی در تاریخ ندارد و همچون عنصری در حاشیه و بی نقش در تاریخ سازی و تمدن سازی است. توانایی حضور در مسلولیت‌های اجتماعی و تصمیم‌گیرها و تصمیم سازی های کشور را ندارد. زن شرقی، فردی خنثی است و نمی‌تواند الگوی مناسبی در زمینه های مختلف برای زن معاصر باشد الگوی زن شرقی، تصویری منفعل از زن ارائه می‌دهد که با وجود سابق تاریخی وسیع، هویتی منزوی و خانه نشین دارد. این زنان همواره خود را از جامع دور نگهداشته و در مقاطع حساس تاریخی و سیاسی حضوری از آنها مشاهده نمی‌شود. آنها تنها در زمان ولادت فرزند پسر احساس ارزش کرده و نامشان بصورت مقطعی و کوتاه دیده می‌شود. به دلیل به حاشی راندگی و نادیده انگاری بسیاری از زنان شرقی با مطالباتی که چندان هم متناسب با شرایط زندگی و کاری آنها نیست به الگوی زن غربی روی آورده و دنبال روی ایشان شدند (خادمی، ۱۳۹۸).

الگوی سوم زنان

توحیدی است؛ در نتیجه از آن گریزی ندارند و به همین دلیل، همسرگزینی، همسررداری و فرزندپروری شاخصه-های الگوی سوم است (حکمت نیا و همکاران، ۱۳۸۶).

حضور اجتماعی زن مسلمان

حضور اجتماعی و جامعه سازی از شاخص‌های الگوی سوم زن است. در مباحث پیشین نظریه خانه نشینی زن نقد و نفی گردید و ادله مشروعیت حضور زن در جامعه نیز تشریح شد. بعضی اندیشمندان و متفکران بزرگ اسلام از حضور اجتماعی زن دفاع کرده اند و در جهت تقویت این نظریه کوشیده اند؛ از جمله آنان استاد شهید مطهری است. ایشان از زنی که با رعایت معیارهای شخص « شرعی و هنجارهای اجتماعی، در جامعه حضور سازنده ای دارد، به تعبیر می کند و درباره آن مینویسد « : گرانبهای دارای نقش شکل سومی هم وجود دارد و آن این است که زن به صورت یک شخص گرانبها در بیاید، هم شخص باشد و هم گرانبها؛ یعنی از یک طرف شخصیت روحی و معنوی داشته باشد، کمالات روحی و انسانی نظری آگاهی داشته باشد و از طرف دیگر، در اجتماع مبتذل نباشد؛ یعنی آن محدودیت نباشد و آن اختلاط هم نباشد؛ نه محدودیت و نه اختلاط، بلکه حریم، حریم مسئله ای است بین محدودیت زن و اختلاط زن و مرد (مرتضی مطهری، ۱۳۸۶).

مقام معظم رهبری نیز در پیام به کنگره ملی شهدای زن، از خانواده گرایی تعبیر کرده، آن را ستوده است. در قسمتی " الگوی سوم " حضور اجتماعی زن به از این پیام این گونه آمده است: در انقلاب اسلامی و در دفاع مقدس، زنا نی ظهور کردند که می‌توانند تعریف زن و حضور او در ساحت رشد و تهذیب خویش و در ساحت حفظ خانه سالم و خانواده متعادل و در ساحت ولایت اجتماعی و جهاد امر به معروف و نهی از منکر و جهاد اجتماعی را جهانی کنند و بن بست های بزرگ را در هم بشکنند. همانگونه که مشاهده می‌شود، در متن مذکور سه ساحت برای الگوی سوم زن ترسیم شده است؛ زن مسلمان در رشد و تهذیب نفس خویش و حفاظت از خانواده و سالم نگهداری آن می‌کوشد و در کنار آن به مسئولیت‌های مهم اجتماعی خویش همت می‌گمارد.

اسلام به معنای واقعی زن را تکریم کرده است. اگر روی نقش مادر و حرمت مادر در درون خانواده تکیه می‌کند، یا روی نقش زن و تأثیر زن و حقوق زن و وظایف و محدودیت‌های زن در داخل خانواده تکیه می‌کند، به هیچ وجه به معنای این نیست که زن را از شرکت در مسائل اجتماعی و دخالت در مبارزات و فعالیت‌های عمومی مردم منع کند. عده‌ای بد یا کج فهمیدند؛ یک عده مغرض هم از این کج فهمی استفاده کردند؛ یا باید زن، مادر خوب و همسر خوبی باشد یا باید در تلاش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی شرکت کند؛ قضیه این گونه نیست؛ هم باید مادر خوب و همسر خوبی باشد، هم در فعالیت اجتماعی شرکت کند "فاطمه زهرا مظهر چنین جمعی است" (خامنه‌ای، ۱۳۸۴).

نتیجه گیری:

در تحلیل و بررسی الگوی سوم زن در جمهوری اسلامی ایران، میتوان به این نتیجه رسید که این الگو با ترکیب نقشهای خانوادگی و اجتماعی، به طور ویژه‌ای بر کرامت انسانی زن، جایگاه او در خانواده و جامعه، و مسئولیتهای فرهنگی و اجتماعی او تأکید دارد. الگوی سوم زن به عنوان یک مدل جامع و دینی، زنان را نه تنها به عنوان نگهبانان خانواده، بلکه به عنوان فعالان اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی معرفی میکند که میتوانند در پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی نقشی مؤثر و بنیادی ایفا نمایند.

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به طور خاص به نقش زنان در ساخت جامعه اسلامی و پیشبرد اهداف انقلاب تأکید دارد. در این بیانیه، زنان به عنوان ستون اصلی خانواده و عنصر کلیدی در تربیت نسلهای مؤمن و انقلابی معرفی شده‌اند. در عین حال، مشارکت اجتماعی و فرهنگی زنان، به ویژه در برابر تهاجم فرهنگی غرب، به عنوان یکی از وظایف اساسی آنان بیان شده است.

با این وجود، تحقق این الگو با چالشهای متعددی روبه‌روست. تهاجم فرهنگی غرب که سعی دارد با ارائه الگوهای غربی، زنان را از مسیر اصلی خود منحرف کند، و نگرشهای متحجرانه داخلی که مانع از حضور فعال زنان در عرصه‌های اجتماعی میشود، از جمله مشکلاتی هستند که زنان در مسیر تحقق

الگوی سوم با آنها مواجه هستند. علاوه بر این، کمبود آموزش و محدودیتهای اقتصادی و شغلی نیز به عنوان موانع جدی بر سر راه زنان قرار دارند.

با این حال، فرصتهای متعددی برای تحقق این الگو وجود دارد. زنان انقلابی و مادران شهدا به عنوان الگوهای برجستههای از الگوی سوم زن در تاریخ انقلاب اسلامی شناخته میشوند. همچنین حمایتهای نظام اسلامی در قالب قوانین و سیاستهای حمایتی در زمینههای آموزشی، شغلی و اجتماعی میتواند به زنان در جهت تحقق این الگو یاری رساند. توانمندیهای علمی و فرهنگی زنان در عرصه های مختلف نیز به عنوان یک فرصت بزرگ برای پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی و ارتقاء جایگاه زنان در جامعه اسلامی محسوب میشود.

در نهایت، با توجه به نقش مهم زنان در تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و با توجه به حمایتهای نظام جمهوری اسلامی، میتوان به این نتیجه رسید که زنان ایران، با بهره گیری از آموزه های دینی و انقلابی، قادر خواهند بود نقش برجستهتری در ساخت یک جامعه اسلامی پیشرفته و مقاوم ایفا کنند.

منابع

امامی زهرا، بخشایشی اردستانی احمد، توحیدفام محمد، & درویش پور حجت اله. ۱۴۰۲. الگوی کنش بانوان و تاثیر آن بر فرهنگ سیاسی در گفتمان انقلاب اسلامی براساس الگوی سوم: بررسی ترسیم هسته های گفتمانی از منظر آیت الله خامنه ای.

الهی خراسانی، علی ، « نقد پارادایمی رویکرد سنتی به مسئولیت اجتماعی زن مسلمان . ۱۳۹۶. حوزه ش، ۱۶.

بانکی پور فرد، امیر حسین. ۱۳۹۳. نقش و رسالت زن، تهران، انتشارات انقلاب و اسلامی.

- تیموری نسیم، و محمدی مریم سادات. ۱۴۰۲. الگوی سوم زن مسلمان الگویی نه شرقی، نه غربی؛ راه حلی برای حل تعارض احساسات زنانه با رسالت مادری.
- حسینی و دیده وری، علی و سیده فریبا. ۱۳۹۶. جنس دو، در فلسفه شوپنها و نگاه نقادانه اسلام، مجله زن و جامعه، سال ۸، شماره ۳، پیاپی ۳۱، صص ۵۱-۷۲
- خامنه ای، سید علی، پایگاه اطلاع رسانی دفتر آثار حضرت آیت الله خامنه ای، موسسه پژوهی فرهنگی انقلاب اسلامی. ۱۳۸۴، در دیدار اقشار مختلف مردم.
- خامنه ای، سید علی، پایگاه اطلاع رسانی دفتر آثار حضرت آیت الله خامنه ای، موسسه پژوهی فرهنگی انقلاب و اسلامی ۱۳۸۶، دیدار با بانوان.
- خادمی، عاطفه. ۱۳۹۸. مدل مفهومی موضوع زن در گفتمان انقلاب و اسلامی، مطالعه موردی منظومه فکری آیت الله خامنه ای، مجله زن در توسعه سیاست، ش ۲، دوره ۱۷، صص ۲۵۷-۲۷۷
- دیرباز، فاطمه. ۱۳۹۴. بازنگری مبانی فکری_ کلای الگوهای اجتماعی زن، نشریه مطالعات راهبردی زنان، شماره ۶۸، دوره ۱۷، صص ۱۶۷-۲۱۳
- زیبایی نژاد، محمد رضا و محمد تقی سبحانی. ۱۳۸۱. درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام. قم، دفتر تحقیقات و مطالعات زنان.
- زارعی متین، حسن. «فرهنگ سازمانی و نقش جها نبینی و ارزشها در این فرهنگ» مکتب. ۱۳۸۸. اسلام، ش. ۳.
- علاوند، فریبا. ۱۴۰۰. زن در اسلام، مبانی، حقوق و تکالیف، تهران، نشر هاجر.
- کرمی، محمد از فمینیسم جهانی تا فمینیسم ایرانی نگاهی کل گرایانه به جنبش و نظریه فمینیسم در ایران و جهان. ۱۳۸۷. حوراء، ش ۲۷.
- مهریزی، مهدی. ۱۳۸۲. شخصیت و حقوق زن در اسلام، تهران، علمی و فرهنگی.
- محمود حکمت نیا و همکاران؛ فلسفه حقوق خانواده. ۱۳۸۶؛ ج ۱، صص ۱۰۹-۱۳۱
- مرتضی مطهری؛ مجموعه آثار؛ ج ۱۷، ص ۳. ۱۳۸۶.. بیانات در دیدار جمعی از مداحان
- نورافروز، کیاندرخت. ۱۳۸۴. ناچیز شمردن زن در درازنای روزگار، اختران زبان.
- نانسی چودروف. ۱۳۸۵. فمینیستی و دیدگاه هها، مجموعه مقالات، جنسیت، رابطه و تفاوت در نگرش روانکاوی، ترجمه شهلا اعزازی، تهران، روشن گران مطالعات زنان.
- ویلیام، گاردنر. ۱۳۸۶. جنگ علیه خانواده، ترجم معصومه محمدی، قم، ژهشکده زن و خانواده.

